

تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی
و عوامل تبیین‌کننده آن
(مورد مطالعه: شهر ایوان)

رضا همّتی*

وکیل احمدی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۳

چکیده

شهروندی یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت و توسعه یافتگی کشورهاست. یکی از ابعاد مهم شهروندی، فرهنگ شهروندی است. اصولاً شهروندی بدون عنایت به مقوله فرهنگ قابل تصور نیست. ایجاد، گسترش و تعمیق فرهنگ و اخلاقیات شهروندی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل شهری و اجتماعی باشد که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه‌اند. در این راستا هدف این

پژوهش به عنوان یک گام اولیه، بررسی مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی و برخی از متغیرهای اجتماعی تبیین کننده آن می‌باشد. با توجه به فقدان پژوهش‌های تجربی در زمینه فرهنگ شهروندی، هشت مؤلفه مدارای اجتماعی، مشارکت جویی، انجام رفتارهای مدنی، اعتماد بین شخصی، عام‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، نوع دوستی و گرایش به پیروی از قانون برای سنجش این مفهوم در نظر گرفته شد. به منظور آزمون تجربی مدل مفهومی، پژوهش میدانی به شیوه پیمایشی طراحی گردید که در آن ۳۷۶ نفر از شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ایوان مشارکت داشتند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در مجموع پاسخگویان نمره متوسط به بالایی از شاخص فرهنگ شهروندی کسب کرده‌اند. همچنین نتایج حاکی از رابطه مثبت باورهای مذهبی و رابطه منفی احساس انومی با شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شهروندی، فرهنگ شهروندی، انومی اجتماعی، امنیت اجتماعی، باورهای مذهبی

طرح مسئله

لازمه حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است، که این مقولات جزء پایه‌های اساسی و داوم شهری می‌باشند و همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربردهای شهری سعی کنند، تعادل لازم را بوجود آورند (شریبتیان، ۱۳۸۷). شهروندی مقوله‌ای متزع یا جدا از فرهنگ شهروندان نیست. از این‌رو، برای داشتن شهروند فعال، باید مؤلفه‌ها و معنای شهروندی، برخواسته از فرهنگ شهروندان باشد نه صرف ملاحظات حقوقی یا تأکید یکسویه بر آرمان‌های ایدئولوژیک (فاضلی، ۱۳۸۶). امروزه زندگی شهری نیازمند قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود است و هر گونه وقفه،

کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و آداب شهرنشینی و رعایت نکردن حقوق دیگران، تنش‌ها، خشونت‌ها و ناملایمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را دامن خواهد زد. قوانین مربوط به شهرنشینی امروزه در قالب شهروند تداعی می‌شود، اما باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر معادل واژه شهروند^۱ نیست، بلکه شهروند باید در مدیریت بهینه شهر ایفای نقش کند؛ چرا که شهروندی بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت فرد مهیا می‌کند تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود به سوی تعالی بدست گیرد. بنابراین می‌توان گفت کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف به منظور حفظ نهادهایی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۶۷). پایبندی به اخلاق و سلوک شهروندی، در واقع نوعی تمرین دموکراسی است که در فرهنگ شهروندی^۲ باید به آن اهمیت بسیار داده شود. این تمرین مشارکتی و مردم سالارانه با اطرافیان و اعضای نهادهای مدنی و انجمن‌های داوطلبانه و... شکل می‌گیرد. تا زمانی که افراد در نهادهای مدنی و انجمن‌های داوطلبانه به عضویت در نیایند و مشارکت نداشته باشند، فرهنگ شهروندی شکل نمی‌گیرد. فرهنگ شهروندی ناظر به مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی همچون مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی شهروندان است. از نظر فالكس (۱۳۸۱: ۶۰-۵۹) رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتماد پذیری و تعهد مدنی موثر است چرا که تعهد مدنی بر توازن بین نفع فردی و جمعی استوار است. به عبارت دیگر سهیم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی برای منافع کشور یا بهبود جامعه، معرف تعهد مدنی و فرهنگ شهروندی است.

نتایج تحقیقات گوناگون (نگاه کنید به رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷) و سایر پژوهش‌های تجربی که به بخشی از آنها در پیشینه پژوهش اشاره شده نشان می‌دهد که

-
1. Citizen
 2. Citizenship culture

اولاً شهروندی و عدم رعایت اصول شهروندی از جمله مشکلات اولویت دار کشور می‌باشد در ثانی مردم کشور ما آگاهی زیادی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خود ندارند. همچنین رعایت فرهنگ شهروندی و به تبع آن اخلاق شهروندی در سطح خوبی قرار ندارد. شهرنشینی در سال‌های اخیر در بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله در کشور ما به شدت گسترش پیدا کرده است به طوری که جمعیت شهرنشین از ۳۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. این قضیه در مورد شهرهای کوچک مانند ایوان که در طی ۲۰ سال گذشته با توجه به افزایش رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت روستاییان چند برابر شده، بیشتر نیز به چشم می‌خورد. شهرنشینی و به ویژه افزایش جمعیت مهاجر در ابرشهرها، مسائل و مشکلات خاصی را در زندگی شهری همچون کمبود مسکن، آلودگی هوا، معضلات ترافیکی، وجود بافت‌های فرسوده شهری، کمبود فرصت‌های فراغتی و تفریحی و ورزشی، کمبود مراکز بهداشتی و درمانی، آلودگی‌های زیست محیطی و مشکلات دیگر از این دست را پدید آورده است (شیانی و فاطمی‌نیا، ۱۳۸۸). به عنوان یک تبیین مقدماتی می‌توان ادعا نمود از آنجایی که سرعت شهری شدن در کشور ما بسیار بالا بوده بنابراین نتوانسته ذهنیت‌های مناسب یعنی شهروندی را در شهرها به وجود بیاورد. در نتیجه تحولات جمعیتی و مهاجرتی ما بیشتر با روستاهایی شهر زده و با شهرهایی روستا زده روبرو هستیم تا با شهرهایی در موقعیت‌های مناسب شهروندان. از سوی دیگر مناطق غیر شهری کشور نیز به شدت به دلیل همجواری‌های فیزیکی با شهرها و به دلیل انقلاب اطلاعاتی و گسترش رسانه‌ها، شهری شده‌اند ولی از ذهنیت‌های متناسب با آن یعنی شهروندی در آنها خبری نیست (فکوهی، ۱۳۸۸). اهمیت و نقش فرهنگ شهروندی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های ایجاد جامعه خوب^۱ و شایسته و کارکرد این فرهنگ در حل مسائل شهری از یک طرف و فقدان پژوهش‌های تجربی در خصوص فرهنگ شهروندی و مؤلفه‌های آن از طرف دیگر بر اهمیت این موضوع

دلالت دارد. با این توضیحات سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اولاً فرهنگ شهروندی دارای چه مؤلفه‌هایی است؛ در ثانی چه عواملی در سطح اجتماعی با فرهنگ شهروندی مرتبط است و سرانجام این که چه راهکارهایی را می‌توان در راستای ارتقاء فرهنگ شهروندی در شهر ایوان ارائه نمود.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های نظری و تجربی صورت گرفته در داخل کشور نشان می‌دهد که در یک دهه گذشته پژوهشگران اجتماعی توجه خاصی به مقوله شهروندی داشته‌اند و تا حدودی توانسته‌اند دست‌کم ادبیات مربوط به این حوزه را وارد گفتمان دانشگاهی و سیاست‌گذاری کشور نمایند. بخشی از این پژوهش‌ها به صورت تجربی بر روی موضوعاتی چون آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی (ربانی و دیگران، ۱۳۸۵؛ شیانی و فاطمی‌نیا، ۱۳۸۸؛ شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹)، هویت شهروندی (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹)، تعهدات شهروندی (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹)، احساس شهروندی (یوسفی و عظیمی، ۱۳۸۷) آموزش و تربیت شهروندی (لطف آبادی، ۱۳۸۵)، فرهنگ شهروندی (گنجی و هاشمیان فر، ۱۳۸۷) صورت گرفته است. بخش دیگری از این پژوهش‌ها نیز به بررسی توصیفی و تحلیلی (غیرتجربی) شهروندی و مسائل و آسیب‌های موجود در این زمینه (نوابخش، ۱۳۸۵؛ شیانی، ۱۳۸۴؛ شربتیان، ۱۳۸۷) پرداخته‌اند (جدول یک). با این حال این پژوهش‌ها کمتر به موضوع فرهنگ شهروندی پرداخته‌اند و به جز دو مورد (گنجی و هاشمیان فر، ۱۳۸۸؛ اذانی و دیگران، ۱۳۹۰) توجه خاصی به لحاظ نظری و تجربی به مقوله فرهنگ شهروندی صورت نگرفته است. هر دو پژوهش یادشده با الگوگیری از مدل همیلتون، تعریف محدودی از فرهنگ شهروندی ارائه داده و تنها سه مؤلفه مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قانون را برای آن مد نظر قرار داده‌اند که به نظر نمی‌رسد بتواند تمام فضای مفهومی آنرا

پوشش دهد. در ضمن در این دو پژوهش از عوامل مؤثر بر پایداری به فرهنگ شهروندی صحبتی به میان نیامده و جنبه توصیفی قوی تری دارند تا جنبه تبیینی. با این حال در پژوهش حاضر تلاش شده ضمن ارائه تعریفی گسترده تر و جامع تر از فرهنگ شهروندی، مؤلفه‌های بیشتری برای اندازه‌گیری و سنجش آن ارائه گردد و در سطح تحلیلی برخی از عوامل مؤثر بر فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر است که در خصوص پیشینه تحقیق در پژوهش‌های خارجی پژوهش خاصی دست‌کم با این عنوان یافت نشد هر چند که در موضوعاتی چون ویژگی‌های شهروند خوب، شهروند مسئول و فضایل شهروندی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته بود.

فرایند تاریخی تکوین شهروندی در جامعه ایران

مطالعه علمی شهروندی و فرهنگ آن از قرن ۱۹ همگام با تفکرات جوامع مدنی و دولت‌های ملی شکل گرفته است. امروزه این واژه منتخب معادل (Citizen) در زبان انگلیسی بیان شده است. به لحاظ ریشه شناسی^۱ مفهوم شهروندی و خصیصه‌های آن را می‌توان از مشتقات شهروند دانست. واژه شهروند در ادبیات ما واژه‌ای تازه و نو است به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معنی عمید هم مطرح نشده است در فرهنگ‌های دو زبانه کلمه شهروند به معنی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت و شهرنشین و کسی که از خدمت لشکری آزاد می‌باشد تعریف شده است. اولین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه شهروند در آن آمده، فرهنگ فارسی امروز است که در آن شهروند به عنوان کسی تعریف شده که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (اسماعیلی، ۱۳۷۳) در زبان فارسی پسوند "وند" در اصطلاح شهروند نوعی مالکیت را برای اهالی و ساکنان یک شهر به عنوان صاحب و مالک آن، بیان می‌کند (شربتیان، ۱۳۸۷).

جدول ۱- برخی از پژوهش‌های تجربی صورت گرفته در حوزه شهروندی

عنوان تحقیق	روش و نمونه	خلاصه نتایج
شیانی (۱۳۸۱) تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان	پیمایشی ۸۵۷ نفر	آگاهی سیاسی، فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی، عام‌گرایی، عضویت در طایفه و ارزیابی از موانع مشارکت در جامعه بیشترین وزن تبیینی را داشتند.
نبوی (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز	پیمایشی ۳۶۸ نفر	نگرش مثبت نسبت به ارزش‌های عام، ارزش‌های دموکراتیک، مشارکت، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی با میزان احساس شهروندی رابطه دارد.
ربانی و دیگران (۱۳۸۵) بررسی میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	پیمایشی ۳۶۸ نفر	عوامل اجتماعی-فرهنگی (آموزش‌های اجتماعی، رسانه‌ها، حضور در عرصه‌های عمومی، طبقه، تحصیلات و شغل) با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه دارند.
شیانی و فاطمی نیا (۱۳۸۸) بررسی میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی در تهران	پیمایشی ۷۶۷ نفر	بیشترین میزان آگاهی شهروندان در حوزه فرهنگی و سپس اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً در حوزه سیاسی است. بغیر از بعد فرهنگی در بقیه ابعاد میانگین آگاهی از حقوق بیشتر از تعهدات است.
گنجی و هاشمیان‌فر (۱۳۸۸) فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان	پیمایشی ۱۵۰ نفر	شهروندان اصفهانی در ابعاد سه گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری، و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به شهروندی در حد متوسط می‌باشند
یوسفی و عظیمی (۱۳۸۷) احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران	پیمایشی ۱۵۱۶۱ نفر	احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی، احساس هویت سیاسی و احساس برابری مشارکتی به ترتیب سهم بیشتری در مفهوم شهروندی دارند. به لحاظ شدت احساس شهروندی، بعد هویت سیاسی نسبت به ابعاد دیگر از شدت بیشتری برخوردار است.
شیانی و داوودندی (۱۳۸۹) بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان	پیمایشی ۳۰۰ نفر	دانشجویان آگاهی متوسط و رو به پایین از حقوق شهروندی خود دارند. متغیرهای نگرش به دخالت دولت، میزان آگاهی از حقوق دانشجویی و نگرش به مشارکت با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه ای معناداری دارند.
محمدی و همکارانش (۱۳۸۹) عوامل مرتبط با هویت شهروندی	پیمایشی ۴۵۰ نفر	هویت شهروندی در پاسخگویان ضعیف و متوسط است. در میان ابعاد هویت شهروندی، ارزیابی از هنجارهای دموکراتیک، تعهد مدنی و برخورداری از حقوق شهروندی به ترتیب پایین‌ترین مقادیر را در بین پاسخگویان به خود اختصاص داده بودند. متغیر اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، هویت فردی و هویت جمعی حدود ۳۸٫۳٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.
فاطمی نیا و حیدری (۱۳۸۹) بررسی عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی	پیمایشی ۳۸۵ نفر	سرمایه اجتماعی، عام‌گرایی رابطه مثبت و انومی اجتماعی رابطه منفی با تعهدات شهروندی دارند. نتایج تحلیل مسیر: احساس ناامنی علاوه بر اثر مستقیم، اثرات غیر مستقیمی بر تعهدات شهروندی داشته است. علاوه بر متغیرهای اصلی، سن و جنس نیز روابط معناداری با تعهدات شهروندی داشتند.
نوروزی و گل‌پرور (۱۳۹۰) میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	پیمایشی ۵۰۰ نفر	اغلب پاسخگویان میزان احساس برخورداریشان از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندی را پایین و میزان برخورداری‌شان از حقوق مشارکتی شهروندی را خیلی پایین عنوان کرده بودند. نهایتاً ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای جامعه‌پذیری جنسیتی، تقسیم جنسیتی کار خانگی، طبقه اجتماعی، سن و وضعیت تأهل بستگی تبیین شده بودند.
هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰) میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	پیمایشی ۲۷۰ نفر	پاسخگویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی داشته و میزان حضور در عرصه عمومی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به حقوق شهروندی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی ارتباط دارد.
اذابی و دیگران (۱۳۹۰) تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد	پیمایشی ۲۰۰ نفر	شهروندان یزد در ابعاد سه گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشند

به طور کلی شرایط اجتماعی و تاریخی ایران ناظر در ادوار گوناگون آن ناظر بر وضعیت امتناع، امکان و ایجاد شهروندی است که در اینجا به اختصار به آن اشاره می‌شود. در دوره باستان ماهیت شاهی نظام سیاسی و شکل بندی اجتماعی بندگی از اساس با شهروندی در تضاد بوده است. فرهنگ استبداد و خودکامگی، مخالف آزاداندیشی و آزاد زیستی بوده است و نظام حقوقی شاهی ماهیت گفتمانی تکلیف مدار بود و نه حق مدار، و نظام طبقاتی کاستی نمی‌توانسته پذیرای شهروندی‌های گوناگون باشد. نظام مذهبی متمایل به خدایگان دانستن شاهنشاه و بنده تلقی کردن اتباع، جهت گیری شهروندی نداشته است. با فروپاشی ایران باستان در سده هفتم میلادی و ورود اسلام به ایران وضعیت شهروندی بجز مقاطع کوتاه مدت، مبتنی بر امتناع شهروندی بود. اندیشه سیاسی اجتماعی اسلامی در این دوره بر حول چهار محور حاکم و رعیت، راعی و رعیت، رهبری و امت و جمع گرایی در برابر فردگرایی بود و این جهت‌گیری‌ها از ظرفیت مناسب برای تقویت امکان شهروندی برخوردار نبودند. در این میان ویژگی‌های جامعه شناختی نظام سیاسی این دوره کلان تاریخی نیز مزید بر علت بوده است. در دوره‌های امپراطوری خلافت شرقی و پادشاهی ایرانی-ترکی-مغولی به دلیل قومیت‌گرایی شدید، قشر بندی اجتماعی انعطاف‌ناپذیر و سلطه و سرکوب وحشتناک توده‌ها و رعایای حاکمان، راه را برای پاگیری شرایط اولیه شهروندی بسته بود. سلطانیسم صفوی- افشاری- قاجاریه تا پیش از انقلاب مشروطه نیز چندان تفاوتی با دوره قبل از خود نداشت. نظام اجتماعی و سیاسی این دوره متصف به ویژگی‌هایی بودند که مانع از تقویت و گسترش زمینه‌های و بسترهای شهروندی گردید. هدف انقلاب مشروطه تحقق نظام سیاسی مبتنی بر آزادی، عدالت، دموکراسی و حکومت قانون بود، واژه‌هایی که نوید ایجاب شهروندی یعنی احساس ضرورت وجود بسترهای عینی برای پاگیری شهروندی را در خود داشتند اما به دلیل ساختارهای نهادی و فرهنگی موجود و به ویژه تقابل مشروطه گرایی و مشروع گرایی و سرکوب این جریان توسط حکومت، مساله شهروندی به بن بست رسید. با روی کار آمدن پهلوی

بسترهای تقویت شهروندی سمت و سوی خاصی به خود گرفت. اقدامات این رژیم در دو بعد توسعه فرهنگی و اقتصادی و نه توسعه سیاسی و حقوقی که بستر اصلی شهروندی است پیامدهای سیاسی، تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی فرهنگی خاصی را به دنبال داشت که در مجموع بسترسازی و تقویت زمینه‌های شهروندی را به بن بست کشاند. با فروپاشی رژیم پهلوی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ فرصت تاریخی مناسب تری برای شکل‌گیری شهروندی فراهم آمد که پیش از آن کم سابقه بود.

ماهیت گفتمان قانون اساسی، ترتیبات سیاسی جمهوری اسلامی، جهت‌گیری‌های قوانین موضوعه مجلس شورای اسلامی و راهبری برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه الزامات مدرنیستی برخاسته از روح دموکراسی و جمهوری‌گرایی بر ایجاد شهروندی اثرگذار بوده است. با توجه به تعامل و تقابل نظام سیاسی حقوقی و دولت با موقعیت شهروندی پس از انقلاب اسلامی، ایجاد شهروندی مدنی، اجتماعی و سیاسی هم با چالش‌های ساختاری نهادی مواجه بوده و هم اینکه از پیشرفت و گسترش برخوردار شد. در طی دوره جنگ، شکل اجتماعی خاصی از شهروندی سیاسی به صورت شهروندی مذهبی ایدئولوژیکی انقلابی پدید آمد. در دولت سازندگی نیز هسته‌های اولیه شهروندی اجتماعی و رفاه ظاهر شد و در دوره اصلاحات هسته اولیه شهروندی سیاسی پا گرفت اما هنوز شهروندی مدنی بسیار کم‌رنگ است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳).

تعریف مفهومی شهروندی

مفاهیم شهروندان و شهروندی در عرصه نظریه و عمل بسیار مناقشه‌برانگیز بوده و چالش‌های بسیاری را به بار آورده است. به باور کالون (۱۹۹۸) شهروندی اساساً مفهومی مناقشه‌برانگیز است به طوری که معنای آن همواره به شکل بحث‌انگیز مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از دلایل مناقشه‌برانگیز بودن این مفهوم پیچیدگی و

غامض بودن آن است بطوری که این پیچیدگی مانع از تعریف روشن و تصریح فضای مفهومی آن شده است. از یک طرف شهروندی دارای معنای حقوقی است و از طرف دیگر حائز برساختی جامعه شناختی است. از نظر آیزین^۱ و ترنر (۲۰۰۲: ۴) در تعریف جامعه شناختی شهروندی، کمتر بر قواعد حقوقی و بیشتر بر هنجارها، کردارها، معانی و هویت‌ها تاکید می‌شود.

پاتی و دیگران (۲۰۰۴) شهروندی را مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و کردارهایی تعریف می‌کنند که به منظور حل مسائل کنش جمعی بوجود آمده و حقوق و تعهدات افراد نسبت به همدیگر را در صورت تمایل به رفع و رجوع چنین مسائلی، به رسمیت می‌شناسد. آبوویتز و هارنیش (۲۰۰۶) به نقل از آنسلین، (۲۰۰۰) این تعریف جامع از شهروندی را ارائه کرده‌اند که شهروندی در یک دموکراسی ۱- جایگاه عضویت به افراد درون یک واحد سیاسی عطا می‌کند؛ ۲- به اعضایش هویت می‌بخشد؛ ۳- مجموعه‌ای از ارزش‌هایی را ایجاد می‌کند که به منزله تعهد به کالای همگانی^۲ یک واحد سیاسی خاص تعبیر می‌شود؛ ۴- متضمن میزانی از مشارکت در فرایند حیات سیاسی است؛ ۵- دلالت بر کسب و بکارگیری دانش و درک قوانین، اسناد، ساختار و فرایندهای حکومتی دارد. شهروندی دست‌کم به لحاظ نظری عضویت، هویت، ارزش‌ها و حقوق مشارکت به فرد عطا می‌کند و بر مجموعه‌ای از دانش سیاسی مشترک دلالت دارد. در مجموع به تبعیت از ولپ (۲۰۰۷) به نقل از بوسنیاک، (۲۰۰۰) می‌توان چهار گفتمان متمایز از شهروندی را از همدیگر تفکیک نمود:

۱- شهروندی به مثابه موقعیت حقوقی رسمی که شهروندان را از غریبه‌ها متمایز می‌کند؛

۲- شهروندی به مثابه حقوق: در این معنا شهروندی دلالت بر حقوق مورد نیاز برای بدست آوردن عضویت کامل و برابر در جامعه دارد؛

1. Isin, E
2. Commen good

۳- شهروندی به مثابه فعالیت سیاسی: در این معنا شهروندی بر مشارکت مدنی در اجتماع به مثابه اصل اساسی شهروندی دلالت دارد؛

۴- شهروندی به مثابه هویت و انسجام: در این معنا شهروندی دلالت بر تجربه جمعی افراد از خود و پیوندهای عاطفی شان و تعیین هویت خود و انسجام دارد. از نظر ترنر (۲۰۰۱) به جای تعریف شهروندی در درون چارچوبی ایستا از حقوق و تعهدات، باید آنرا به مثابه یک "فرایند" مفهوم سازی نمود. شهروندی به واسطه بازتوزیع برخی از منابع، هم فرایندی ادخالی^۱ است و از سوی دیگر به واسطه ساختن هویت‌ها بر اساس انسجام مشترک یا تخیلی (تصوری)^۲ نوعی فرایند مستثنی کننده^۳ و محروم ساز نیز می‌باشد. استحقاق (حق)^۴ شهروندی معیاری برای توزیع منابع کمیاب بدست می‌دهد و در عین حال هویت‌های نیرومندی را ایجاد می‌کند که نه تنها حقوقی^۵ هستند بلکه نوعاً شامل مفروضاتی در خصوص قومیت، مذهب و جنسیت می‌باشند. شهروندی مجموعه‌ای از فرایندهای تخصیص استحقاق‌ها، تعهدات و مصونیت‌های درون یک اجتماع سیاسی است (ترنر، ۲۰۰۱).

به طور کلی می‌توان ادعا نمود که تفاوت‌های موجود میان برداشت‌ها و تعبیر گوناگون از شهروندی، حول چهار اختلاف نظر می‌چرخد: ۱- بر سر تعریف مؤلفه‌های شهروندی (حقوقی، سیاسی، هویت)؛ ۲- بر سر اهمیت نسبی آنها؛ ۳- بر سر روابط علی یا مفهومی بین آنها و ۴- بر سر معیارهای هنجاری مناسب (دومینک، ۲۰۱۱). در حال حاضر شهروندی به صورت چندسطحی نظریه‌پردازی شده و شهروندی‌های گوناگونی وجود دارد مثل شهروندی دولت ملت، فراملی و جهانی. شهروندی مخصوصاً در کشورهای پیشرفته به صورت ناهمگون^۶ نظریه پردازی شده‌اند زیرا

-
1. Inclusionary process
 2. Common or imagined solidarity
 3. Exclusionary process
 4. Entitlement
 5. Juridical
 6. Heterogeneous

اشکال گوناگون شهروندی قیاس ناپذیرند و هیچ سطح اجرایی^۱ واحدی وجود ندارد که در آن تعارض بین اشکال گوناگون شهروندی رفع و رجوع شود. اما در حال حاضر شهروندی به صورت افتراقی^۲ نظریه پردازی شده به این معنا که انواع گوناگون و تقلیل ناپذیری از شهروندی وجود دارد و نمی‌توان آنها را به یک شهروندی واحد یکنواخت تقلیل داد. این به این معناست که:

۱- در مواضع گوناگون و در بسترها و حوزه‌های گوناگون شهروندی‌های متفاوت وجود دارد؛

۲- شهروندی‌های گوناگون قابلیت‌های متعددی را در بر می‌گیرند؛

۳- قابلیت مدنی در ذیل شهروندی واحدی قرار ندارد و همه شهروندی‌ها را نمی‌توان با توسل به شهروندی‌های دولت - ملت جمع بست (هادسون، ۲۰۰۳).

رویکردهای نظری شهروندی

شهروندی از رویکردهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال باینر (۱۹۹۵) نظریه‌های معاصر در خصوص شهروندی را به سه دسته نظریه‌های لیبرال، اجتماع‌گرایی و جمهوری خواهی دسته بندی می‌کند. از نظر دلانتهی برای درک گفتمان شهروندی ضرورت دارد که به این نکته واقف باشیم که شهروندی مفهومی متعارض است و به صورت‌های گوناگونی مفصل بندی شده است. جرارد دلانتهی (۱۹۹۷) چهار مدل از شهروندی را ارائه می‌کند. این چهار مدل چهار مؤلفه عضویت در یک اجتماع سیاسی یعنی حقوق، وظایف، مشارکت و هویت را در بر می‌گیرند و هر یک از این مدل‌ها به ترتیب متناظر با یک رویکرد نظری و سنت ایدئولوژیکی یعنی لیبرالیسم، محافظه کاری، رادیکالیسم دموکراتیک و اجتماع‌گرایی می‌باشند. این چهار مؤلفه بیانگر

1. Administrative level
2. Differential

ویژگی‌های کامل شهروندی نمی‌باشند اما از نظر دلالتی این مدل‌های آرمانی نحوه فهم ما از شهروندی را به اختصار نشان می‌دهند.

مدل حقوقی

حقوق یکی از مؤلفه‌های شهروندی است که توسط لیبرال‌ها بسیار مورد تاکید قرار گرفته و اشاره به حقوق شهروندان در برابر دولت دارد. این حقوق همان حقوق مورد نظر تی. اچ. مارشال می‌باشند یعنی حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی (دلانتی، ۱۹۹۰). از نظر وی شهروندی جایگاهی است که به آنهایی عطا می‌شود که عضو کامل یک اجتماع باشند. همه کسانی که چنین پایگاهی دارند در مورد حقوق و وظایفی که آن پایگاه به آنها عطا کرده، برابرند. مارشال مدعی است در سده هفده و هیجده میلادی به موازات تحول در نظام حقوقی و دسترسی به دادگاه‌ها و حق برخورداری از قضاوت عادلانه و منصفانه، شهروندی مدنی شکل گرفته است؛ در سده هیجده و نوزده نیز سازمان‌های دموکراتیک و پارلمنتاریزم منجر به توسعه حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی، یعنی حق همگانی برخورداری از رأی، عضویت در اجتماعات و مشارکت سیاسی شده‌اند و سرانجام با پیدایی دولت رفاه در سده بیستم حق شهروندی اجتماعی، یعنی برخورداری از رفاه همگانی پدید آمده است (مارشال، ۱۹۹۴). مدل حقوقی ریشه در سنت لیبرالیستی دارد. نظریه پردازان لیبرال بر اهمیت فرد تاکید کرده و اجتماع سیاسی را مکانیسمی برای پیشینه کردن رفاه فردی تلقی می‌کنند. افراد به منظور مسائل کنش جمعی^۱ باید با همدیگر همکاری کنند و آنها این امر را به واسطه دولت انجام می‌دهند که عرصه‌ای را برای حل چنین مسائل ایجاد می‌کند. از این منظر، شهروندی به آشتی منافع افراد و دولت در یک چارچوب قانونی دلالت دارد و به منظور تضمین برخورداری همه افراد جامعه از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، بر

حقوق برابر تاکید می‌شود (پاتی و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۰-۱۱). در این تفکر موقعیت افراد به لحاظ هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و اخلاقی بر جامعه و دولت اولویت دارد و هدف اصلی دولت حمایت و تأمین افراد به واسطه حقوق است (الدفیلد، ۱۹۹۰: ۱۸۹-۱۹۰). مدل حقوقی که برداشتی صوری یا رویه‌ای^۱ از شهروندی دارد به دلیل نپذیرفتن امکان شهروندی فعال مورد نقد قرار گرفته است (دلانتی، ۱۹۹۰).

مدل محافظه کارانه^۲

مشخصه نظریه‌های محافظه کارانه شهروندی، اساساً ایده وظایف و مسئولیت‌ها است. محافظه کاران به جای تاکید بر حقوق شهروندان در برابر دولت، کلاً بر وظایف شهروندان در قبال دولت تاکید می‌کنند. وظایف سنتی شهروندان در برابر دولت عبارت است از: دادن مالیات، خدمت نظامی و آموزش. شهروند وظیفه شناس، شهروند مطیع و مسئولی است که در پی آن نیست که دولت چه کاری برای وی می‌خواهد بکند بلکه وی درصدد آن است که کاری برای دولت انجام دهد. این مدل، شهروندان را به چیزی هم فعال و هم منفعل مبدل می‌کند؛ فعال از این لحاظ که شهروندان باید واقعاً در برابر دریافت خدمات از دولت کاری انجام دهند و منفعل به این معنا که از شهروندان انتظار نمی‌رود درگیر گفتمان انتقادی شوند. به طور کلی برداشت محافظه کارانه از وظایف را می‌توان در چارچوب حقوق و عدالت جمع نمود: از آنجایی که شهروندان حق و حقوقی در برابر دولت دارند آنها باید به نوبه خود وظایف مشخص شان را انجام دهند. این وظایف اساساً صوری هستند اگرچه می‌توانند شکل محتوایی هم به خود بگیرند (دلانتی، ۱۹۹۰).

-
1. Formal or procedural
 2. The Conservative model

مدل مشارکتی^۱

برخلاف مدل لیبرال، مدل مشارکتی یا رادیکال بر مؤلفه فعال شهروندی تأکید دارد و برخلاف مدل محافظه کار در خصوص وظیفه، رادیکال‌ها بر مؤلفه‌های انتقادی شهروندی به لحاظ اجتماعی تأکید دارند. برداشت رادیکال‌ها از شهروندی بر مشارکت به عنوان فرایند فعال تأکید دارد، امری که قابل تقلیل به وظیفه نیست. مشارکت موضوعی متفاوت از وظیفه شناسی است زیرا بر عاملیت تأکید دارد در حالی که برداشت محافظه کارانه از وظیفه، دلالت بر انفعال و تابعیت دارد. شهروندان وظیفه شناس اساساً وضعیت موجود را زیر سوال نمی‌برند در حالی که از نظر رادیکال‌ها شهروند فعال، درگیر در کنش‌های برانگیخته شده سیاسی است. مدل مشارکتی پیوند تنگاتنگی با تفکر نئوجمهوری خواهی^۲ دارد که بر مشارکت شهروندان در ساختن جامعه تأکید دارد. از این رو شالوده نئوجمهوری خواهی ایده جامعه مدنی یا "اجتماع سیاسی خود قانون‌گذار"^۳ است. در سنت کلاسیک نئوجمهوری خواهی از ارسطو تا روسو و از کانت تا آرنست، اجتماع مدنی ریشه در فضایی دارد که شهروندی را برابر با نقشهای اجتماعی در نظر می‌گیرد. حوزه خصوصی از امر سیاسی مستثنی شده و عموماً بر نظام‌های ارزشی یک گروه مسلط فرهنگی توجه می‌شود. از این رو مدل مشارکتی بسیار گسترده تر از نسخه نئوجمهوری خواهی است که خاص فلسفه سیاسی آمریکای شمالی بوده و دموکراسی مستقیم را دربر می‌گیرد. نئوجمهوری خواهی در واقع به اجتماع گرایی نزدیک است (دلانتی، ۱۹۹۰).

-
1. The Participatory model
 2. Neo-republicanism
 3. Self-legislating political community

مدل اجتماع گرایی^۱

برای اجتماع گرایان شهروندی چیزی بیش از حقوق و وظایف است و شامل مساله شناسایی^۲ (هویت یابی) می‌شود. برداشت اجتماع گرایان از شهروندی شبیه ایده نئوجمهوری خواهان است و در بسیاری از موارد از آن قابل تفکیک نیست. هر دو برداشت که با آثار تیلور، والزر و ساندر و اتیزونی مرتبط است در تعارض با نظریه لیبرال شهروندی قرار دارند. از نظر اجتماع گرایان، شهروندی پیوند نزدیکی با فرهنگ و مخصوصاً با هویت ملی دارد. شهروندی در گفتمان اجتماع گرایی نهایتاً قابل تقلیل به ملیت است که به شهروندان احساسی از انسجام فرهنگی می‌دهد. تفکر اجتماع گرایی جایی بین تاکید محافظه کارانه بر ویژگی‌های فرهنگی و وظایف و برداشت‌های نئوجمهوری خواهان از دموکراسی مشارکتی قرار دارد. مؤلفه متمایز اجتماع گرایی برداشت آنها از سیاست شهروندان به مثابه اجتماع ملی است. اجتماع سیاسی از نظر اجتماع گرایان اجتماع گشوده‌ای نیست بلکه بدو به واسطه عضویت یک اجتماع فرهنگی تعریف می‌شود. اجتماع به واسطه پیوندهای فرهنگی و سنت‌های تاریخی اش که قبل از دولت وجود داشته‌اند، تعریف می‌شود (دلانتی، ۱۹۹۰). دولت صرفاً نمودی از یک اجتماع فرهنگی است. ارتباطات در چنین اجتماعاتی فراتر از محاسبات مطلوبیت گرایانه افرادی می‌رود که مبنای تلقی لیبرالی از شهروندی است (پاتی و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۰-۱۱) اجتماع گرایان مدعی اند احساس هویت افراد تنها از طریق ارتباط با دیگران در اجتماعی ساخته می‌شود که افراد بخشی از آن محسوب می‌شوند. بنابراین اجتماع گرایان بر ایده شهروند جای گرفته در اجتماع^۳ و بر ایده تعلق اجتماعی تاکید دارند (ژاونتا، ۲۰۰۲). نئوجمهوری خواهان به عنوان نسخه قوی‌تر اجتماع گرایی، اجتماع را اساساً به صورت اجتماع سیاسی می‌بینند تا اجتماع فرهنگی (دلانتی، ۱۹۹۰).

-
1. The Communitarian Model
 2. Identification
 3. Socially-embedded citizen

فرهنگ شهروندی و مؤلفه‌های آن

فرهنگ "نظام در هم تنیده‌ای از نشانه‌های قابل تفسیر" است و بستری است که در آن رخدادهای اجتماعی، رفتارها، نهادها یا فرایندها رخ می‌دهد. با این تعریف مقدماتی می‌توان فرهنگ شهروندی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی تعریف کرد که احساس تعلق به جامعه و احترام به میراث مشترک و به رسمیت شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد بوجود می‌آورد (فرهنگ شهروندی، ۲۰۰۴). در فرهنگ شهروندی با هنجارهای قانونی و اشکال از قبل تعیین شده و انعطاف ناپذیر همانند حقوق شهروندی روبرو نمی‌شویم، بلکه با مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی روبرو می‌شویم که انعطاف پذیری زیادی دارند؛ که این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگ شهری یا خرده فرهنگ‌های شهری است (نقی زاده، ۱۳۸۱: ۱۸۴). در حوزه فرهنگ شهروندی باید به مجموعه‌ای از پارامترها و متغیرهایی اشاره کرد که جزء کلید واژه‌های اصلی فرهنگ شهروندی‌اند. این مفاهیم کلیدی همان مسئولیت پذیری شهری، قانونمند بودن شهروندان و هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی است (شربتیان، ۱۳۸۷).

به نظر ارمه فرهنگ شهروندی دارای ویژگی‌های زیر است: اولین ویژگی این است که شهروندی باید مبتنی بر شناخت تاریخ و محیط باشد. دومین ویژگی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد سلوک دموکراتیک است، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش‌های اخلاقی، شهروند نه تنها باید به حقوق بلکه باید به وظایف خود آگاه باشد. از جمله وظایف او مبارزه برای محترم شمرده شدن حقوق وی می‌باشد. تکلیف دیگر، مدارا است «یعنی نگرش مربوط به همزیستی ساده ضمن حفظ فاصله با اشخاص و گروه‌هایی که بیگانه تلقی می‌شوند و بی تفاوتی را بر می‌انگیزند.... مدارا ما را مجبور می‌کند دیگری را بدون نفی خویشتن بپذیریم اجازه دهیم دیدگاه‌ها باهم تلاقی و با هم مقایسه شوند، حاضر باشیم به سخن دیگری گوش دهیم، حق متفاوت بودن او را

بپذیریم و سرانجام تغییر و نوآوری را قبول کنیم» (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۳-۱۷۲). به طور خلاصه می‌توان گفت که فرهنگ شهروندی دارای مؤلفه‌های زیر است: ۱- فرهنگ شهروندی یک کلیت است و از عناصر گوناگون تشکیل یافته است؛ ۲- فرهنگ شهروندی، محصول جمعی است که توسط جامعه ساخته می‌شود؛ ۳- فرهنگ شهروندی، تاریخ مند است؛ ۴- فرهنگ شهروندی دارای پایداری نسبی است؛ ۵- فرهنگ شهروندی یک طیف است و در جنبه‌های گوناگون، درجات متفاوتی به خود می‌گیرد (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۷).

از نظر دالگرن^۱ فرهنگ مدنی^۲ (یا به تعبیری فرهنگ شهروندی) یکی از پیش شرط‌های ضروری برای حوزه عمومی پایدار و از این رو عملکرد دموکراسی است. دالگرن نه به یک فرهنگ مدنی بلکه به فرهنگ‌های مدنی باور دارد. به نظر وی فرهنگ مدنی به الگوهای فرهنگی دلالت دارد که در آن هویت‌های شهروندی و بنیان‌های عاملیت مدنی جاگیر شده‌اند. فرهنگ مدنی در سطح افق‌های فکری بدیهی و چون و چراناپذیر حیات روزمره یا به تعبیر هابرماس "جهان زیست" عمل می‌کند. از منظر بوردیو می‌توان آن را نوعی عادت واره مدنی در نظر گرفت. از نظر وی فرهنگ مدنی به آن ویژگی‌های دنیای اجتماعی- فرهنگی یعنی گرایش‌ها، کردارها و فرایندهایی دلالت دارد که پیش زمینه لازم برای مشارکت واقعی در حوزه عمومی، جامعه مدنی و جامعه سیاسی را فراهم می‌آورد. فرهنگ مدنی سازه‌ای تحلیلی است که درصدد شناخت شقوق عمل افراد در نقش شهروندان است. به نظر دالگرن فرهنگ‌های مدنی متأثر از مجموعه‌ای از عوامل هستند که قطعاً خانواده و مدرسه در این میان اهمیت بنیادی دارند؛ پس از آنها دسته بندی‌های گروهی، روابط اجتماعی قدرت، اقتصاد، نظام حقوقی و ظرفیت‌های سازمانی و رسانه تاثیر خاص خود را دارند (دالگرن، ۲۰۰۳: ۱۰۳-۱۰۶). دالگرن فرهنگ مدنی را جریانی شش بعدی از روابط متقابل در نظر

1. Dahlgern, P
2. Civic culture

می‌گیرد که به روش‌های گوناگونی بر همدیگر تاثیر می‌گذارند. این شش مؤلفه عبارتند از: آگاهی، ارزش‌ها، اعتماد، فضاها، کردارها و هویت‌ها.

به گفته دالگرن، افراد جامعه باید از آنچه که در جامعه در حال رخ دادن است آگاه باشند تا قادر به مشارکت در فضای عمومی باشند. آنها باید قادر به کسب دانش مربوطه باشند این بعد ارتباط وثیقی با ابعاد کردار و مهارت‌ها دارد. بعد دیگر ارزش‌ها هستند که می‌توانند محتوایی باشند مثل عدالت، مدارا و همبستگی یا ارزش‌های رویه‌ای مثل گشودگی و مسئولیت‌پذیری. بعد دیگر اعتماد است. اعتماد معمولاً به عنوان مؤلفه مهم در دموکراسی شناخته می‌شود که می‌تواند مبتنی بر روابط شخصی تثبیت شده یا مبتنی بر صداقت تعمیم یافته و انتظار عمل دوسویه^۱ و متقابل باشد. مؤلفه دیگر فضاها یا به عبارتی دسترسی ارتباطی به بسترهای لازم برای کنش یا قابلیت دسترسی حوزه‌های عمومی به جهان زیست‌های شهروندان است. از آن جا که تمرکز اصلی دالگرن، بر روی رسانه‌های جدید است، این بعد را با توجه به رسانه‌های جدید تعریف کرده و بیان می‌کند که رسانه‌های جدید می‌توانند فضای ارتباطی مناسبی را برای شهروندان فراهم آورند. مؤلفه دیگر اعمال است که می‌توان آنها را آموخت. در طی زمان اعمال مبدل به سنت‌ها و تجربیات مبدل به حافظه جمعی می‌شوند؛ از نظر وی دموکراسی باید در اعمال عینی و تکرار شونده فردی، گروهی و جمعی مرتبط با موقعیت‌های گوناگون جای گرفته باشد. بعد دیگر این مدل، هویت مدنی است که به نگرش‌های ذهنی مردم به خودشان به عنوان اعضاء و مشارکت‌کنندگان در دموکراسی مربوط است. هویت‌ها، ذخایر فرهنگ‌های مدنی هستند (همان، ۱۱۹-۱۰۸).

عوامل مرتبط با فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی از عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی، و سیاسی تاثیر پذیر است اما برای شکل‌گیری فرهنگ شهروندی نیاز به سه عنصر آرمانی است که یکی شهروند فعال (در عرصه خصوصی)، دیگری سازمان کارا و اثربخش (در عرصه عمومی) و سوم حاکمیت خوب (در عرصه دولت) می‌باشد. آنچه که این سه عرصه را به همدیگر پیوند می‌زند حقوق و تعهداتی است که به طور اخص نسبت به همدیگر و به طور اعم نسبت به جامعه دارند. هر چه یک جامعه به سوی شهروندی فعال، سازمان کارا و حاکمیت خوب پیش رود، آن جامعه بیشتر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۷). همچنان که در بخش گذشته اشاره شده متون نظری گسترده‌ای در خصوص شهروند و شهروندی وجود دارد اما در مورد فرهنگ شهروندی (نه شهروند فرهنگی) و عوامل مرتبط با آن در حوزه نظری و تجربی خلاء عمده‌ای وجود دارد. بنابراین در پژوهش حاضر، رویکردهای نظری و مدل‌های گوناگون شهروندی به مثابه چارچوب مفهومی مورد استفاده قرار گرفته‌اند نه چارچوب نظری که بتوان قضایای نظری یا فرضیه تجربی آزمون پذیر از آنها استخراج نمود. بنابراین متغیرهای مستقل در پژوهش حاضر بر اساس ربط منطقی انتخاب شده‌اند نه ربط نظری. هر چند که با تامل بیشتر می‌شد متغیرهای دیگری نیز اضافه نمود با این حال به دلیل رعایت شرط سادگی بر همین تعداد متغیر اکتفا شد.

یکی از متغیرهای مرتبط با فرهنگ شهروندی، میزان احساس امنیت است. در اینجا استدلال می‌شود که احساس امنیت بستر مناسبی برای رعایت فرهنگ شهروندی ایجاد می‌کند. با این حال این امر به معنای آن نیست که فرهنگ شهروندی نمی‌تواند بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر بگذارد بلکه رابطه دو سویه‌ای بین این دو متغیر وجود دارد. البته باید بین احساس امنیت و خود امنیت تفاوت قائل شد. احساس ناامنی در حوزه مسائل اجتماعی بسیار اهمیت دارد زیرا درک و احساس مردم از محیط چه پایه در واقعیت داشته باشد و چه نداشته باشد بر رفتار و کنش افراد تأثیر می‌گذارد

(فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹). به طور کلی احساس امنیت پیامدهای متعددی در جهت تسهیل پابندی به فرهنگ شهروندی می‌تواند داشته باشد. به طور کلی این پیامدها در سه سطح فردی، همسایگی^۱ و اجتماعی قابل بررسی هستند: در سطح فردی، احساس ناامنی، تأثیرات روانشناختی چشمگیری دارد زیرا با محدود کردن امکان جابجایی و تحرک افراد در محل و همسایگی، آزادی‌های فردی آنها را می‌کاهد و موجب ناخشنودی آنها از همسایگی، اجتماع و کل زندگی‌شان می‌گردد. در سطح همسایگی و محل، احساس امنیت موجب کاهش همبستگی، مشارکت در انجمن‌های محلی و روابط در اجتماع شده و نهایتاً در سطح اجتماعی^۲ پیامدهای ناگوار احساس امنیت می‌تواند به صورت ناعدالانه و نابرابرانه بر افرادی تحمیل گردد که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی محروم بوده و فاقد منابع لازم برای مراقبت از خود، اموال‌شان و یا تغییر محل زندگی خود از چنین مناطق جرم‌خیزی‌اند (مک‌کرا و دیگران، ۲۰۰۵). احساس ناامنی هم چنین نظم اجتماعی را به خطر می‌اندازد و باعث افزایش آنومی اجتماعی می‌گردد.

یکی دیگر از متغیرهای تاثیرگذار بر فرهنگ شهروندی، آنومی است. آنومی وضعیتی است که در آن شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته می‌شود و نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی کارایی‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خود رها می‌شوند. برای دورکیم آنومی وضعیتی است که افراد تعهدی به حاکمیت اخلاقی جامعه ندارند و به شکل چشمگیری تحت تاثیر نمی‌باشند. از این رو احساس اضطراب، پریشانی و کمبود راهنمای اخلاقی می‌کنند، خواسته‌ها و آرزوهایشان نابسامان و تحت تأثیر خودخواهی‌های‌شان قرار دارد (سراج زاده و پویافر، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد که دینداری با رعایت فرهنگ شهروندی رابطه مثبتی داشته باشد. دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. از نظر دورکیم کارکردهای اجتماعی دین در جهت کاهش بی‌هنجاری

1. Neighborhood level
2. Societal level

اجتماعی و احساس مبتنی بر آن است و همچون ملات اجتماعی قوام بخش جامعه عمل است. دین با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی و تقویت الزام‌های اخلاقی درونی شده، به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کند (سراج زاده و پویافر، ۱۳۸۷).

روش تحقیق

این پژوهش تحقیقی میدانی از نوع تحقیقات پیمایشی است. واحد تحلیل در این پژوهش خانواده و سطح مشاهده فرد می‌باشد. جامعه آماری مطالعه را افراد ۲۰ سال و بالاتر ساکن شهر ایوان واقع در استان ایلام تشکیل می‌دهند. بر طبق آمارهای سرشماری سال ۱۳۸۵ این شهر دارای ۱۸۹۰۷ نفر جمعیت بالای ۲۰ سال بوده است. برای سال ۱۳۹۰ با احتساب رشد سالانه جمعیت کشور، جمعیت ۲۰ سال به بالا در حدود ۲۰۳۳۸ نفر برآورد گردید. با استفاده از فرمول کوکران و در نظر گرفتن خطای نمونه‌گیری قابل قبول (d) ۰,۰۵؛ درصد جمعیتی که انتظار می‌رود پاسخ خاص ارائه کنند (p,q) ۰,۵ و سطح اطمینان ۹۵٪ (۱,۹۶)؛ حجم نمونه ۳۷۶ نفر برآورد گردید. با توجه به عدم در اختیار گذاشتن آمار دقیق بلوک‌ها، جمعیت ساکن در هر بلوک و همچنین ترکیب سنی اعضای خانوارها از سوی سازمان‌های ذیربط، به منظور نمونه‌گیری خیابان اصلی و میدان مرکزی شهر ایوان به چهار بخش تقسیم شد. از آنجایی که این چهار بخش دارای بافت همگن (سنتی و مدرن) نبودند با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، خوشه‌هایی از هر چهار بخش انتخاب شدند به طوری که معرف نسبی جمعیت آماری باشند. در داخل هر بخش به شیوه تصادفی یک خیابان به عنوان خوشه انتخاب شده و در داخل هر خیابان نیز یک کوچه به شیوه تصادفی انتخاب گردید. سپس در داخل هر کوچه پس از سرشماری تعداد خانوارهای ساکن و افراد بالای ۲۰ سال، پاسخگویان به شیوه تصادفی به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها انتخاب شدند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

الف- متغیرهای زمینه‌ای

در این مطالعه همچون بسیاری از پژوهش‌های پیمایشی متغیرهایی چون سن، جنسیت، سطح تحصیلات، سطح درآمد و هزینه خانوار، وضعیت اشتغال، نوع شغل، تعلق قومیتی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی به عنوان متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. در اینجا صرفاً متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی تعریف و نحوه اندازه‌گیری آن تشریح می‌شود. بسیاری از جامعه‌شناسان تحت تاثیر ماکس وبر، موقعیت اجتماعی یک شخص را برحسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی وی یعنی مجموعه‌ای از عوامل مانند: درآمد، نوع شغل، سال‌های تحصیل و گاه مسکن ارزیابی می‌کنند (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۱۴). برای سنجش این متغیر، میزان درآمد و سطح تحصیلات بعد از کدگذاری و استانداردسازی با همدیگر ترکیب شدند. لازم به ذکر است به دلیل مقادیر زیاد بی‌پاسخ در خصوص نوع شغل، در سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی از این متغیر صرف نظر شد.

ب- متغیرهای مستقل

احساس آنومی: آنومی در جامعه‌شناسی به سه معنای مرتبط به هم به کار می‌رود: ۱- نوعی نابسامانی فردی که موجب سرگشتگی انسان و نبود قانون و دستورالعمل برای وی می‌شود؛ ۲- وضعیتی اجتماعی که در آن قواعد رفتار اجتماعی با یکدیگر در ستیز بوده و فرد برای انطباق و پیروی از آن قواعد دچار پریشانی می‌شود؛ ۳- وضعیتی اجتماعی که در آن در موارد محدودی، قواعد اجتماعی وجود ندارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰ به نقل از مرجایی، ۱۳۸۲). برای سنجش این متغیر از مقیاس محقق ساخته‌ای مشتمل بر چند گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد. برای مثال برخلاف آنچه که می‌گویند اوضاع و احوال خیلی از مردم روز به روز بدتر شده

که بهتر نشده است یا امروزه شرایط طوری است که به راحتی نمی‌توان از فردا مطمئن شد.

باورهای مذهبی / دینداری: دینداری به رفتار دینی در برابر باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دیندار با آن تعریف می‌شود (آزاده و توکلی: ۱۳۸۶). در این پژوهش بیشتر بر بعد اعتقادی و باوری دینداری تاکید شده تا سایر ابعاد. برای سنجش این متغیر از چند گویه استفاده شد برای مثل خداوند تا حالا در زندگی خیلی کم‌کم کرده است؛ در زندگی چند دفعه مشکلاتی داشته ام و نذر کرده‌ام.

احساس امنیت: وار (۲۰۰۰) احساس امنیت (ترس از جرم) را به صورت احساس خطر یا بیم ناشی از آگاهی از خطر یا چشمداشت از آن تعریف می‌کند که شامل مجموعه‌ای از وضعیت‌های عاطفی، نگرش‌ها یا برداشت‌ها (بی اعتمادی به دیگران، اضطراب، تلقی از خطر، ترس از غریبه‌ها، نگرانی از وخامت اوضاع محل یا افول اخلاقیات ملی) می‌باشد (سیلورمن و دلاگوستینا، ۲۰۰۱). برای سنجش این متغیر در دو بعد احساس امنیت مالی و جانی از چند گویه در مقیاس لیکرت استفاده شده برای مثال نگرانی از سرقت اتومبیل یا نگرانی از جیب بری، ضرب و شتم و ...

ج - متغیر وابسته

فرهنگ شهروندی: فرهنگ شهروندی یک کلیت است که از عناصر گوناگون و متعدد تشکیل یافته است. فرهنگ شهروندی یک محصول جمعی، تاریخمند و پایدار است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۷) فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی است که احساس تعلق به جامعه را در فرد بوجود آورده و احترام به میراث مشترک و به رسمیت شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد ایجاد می‌کند. برای سنجش فرهنگ شهروندی از هشت مؤلفه زیر استفاده شده است:

اعتماد بین شخصی: اعتماد عبارت است از حسن ظن نسبت به سایر اعضای جامعه که این موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد می‌شود (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۱۲۲) برای سنجش این متغیر از مقیاس محقق ساخته‌ای شامل سه گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد که بر میزان قابل اعتماد بودن و پایبندی به قول و وعده دلالت داشت.

مشارکت مدنی/اجتماعی: مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی ۱۳۷۵). برای سنجش این متغیر سه سوال در خصوص تمایل به مشارکت در عرصه‌هایی چون شورای محل و پیگیری مشکلات محل و ... مطرح شد.

مسئولیت پذیری اجتماعی^۱: مسئولیت پذیری اجتماعی بر حس عاطفی ارتباط با دیگران در اجتماع (همدلی) دلالت داشته و مهمتر از آن نشانگر احساس مسئولیت پذیری در قبال دیگر افراد جامعه می‌باشد. افرادی که خود را به لحاظ مدنی مسئول می‌دانند خود را عضوی از ساخت اجتماعی بزرگتر در نظر گرفته و بنابراین دست‌کم، مسائل اجتماعی را مسائل و مشکلات خود تلقی می‌کنند (هیرونموس-ونت و ابرت والاس، ۲۰۰۹). برای سنجش این متغیر از مقیاس محقق ساخته‌ای شامل سه گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد برای مثال با کمک کردن به دیگران می‌توان دین خود را به جامعه ادا کرد.

عام‌گرایی: عام‌گرایی به طور کلی به معنای توجه به ضوابط، مقررات و شرایطی است که تضمین‌کننده منافع و مصالح عمومی است. در یک فرهنگ عام‌گرا روابط شخصی و غیررسمی مهمتر از قواعد و ضوابط نمی‌باشند و ارزش‌های جامعه مهمتر از منافع و خواست‌های فردی، قومی و قبیله‌ای است (میرفردی، ۱۳۸۸). برای سنجش

این متغیر دو سناریو مطرح شد؛ یکی از این سناریوها این بود که برای مثال اگر احیاناً یک دفتر کار بزنید و بخواهید افرادی را استخدام کنید تا چه اندازه امکان دارد اول دوستان و آشنایان را استخدام کنید بعد غریبه‌ها را؟

مدارای اجتماعی: در فرهنگ هریتیج، مدارا به معنی احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و به رسمیت شناسی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها به دلیل داشتن عقاید مخالف ذکر شده است (سراج زاده و دیگران، ۱۳۸۲ به نقل از ویلیام، ۱۹۹۷). برای سنجش این متغیر از سه گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد. برای مثال مردم جامعه نباید کسانی را تحمل کنند که افکارشان کاملاً مخالف با افکار اکثریت مردم جامعه است.

نوع دوستی: نوع دوستی اساساً بیانگر رفتاری است که هدف آن نفع رسانی به دیگران است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳) نوع دوستی دارای چهار ویژگی اساسی است؛ اول در جهت رفاه و خیر دیگران است نه خود فرد، دوم، اختیاری و داوطلبانه است، سوم آگاهانه و از روی قصد است و چهارم معمولاً انتظار کسب پاداش در آن وجود ندارد. برای سنجش این متغیر نیز از مقیاس محقق ساخته‌ای شامل چهار گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد. مثلاً اگر کسی نشانی یا مسیری از من بپرسد بطور دقیق راهنمایی‌اش می‌کنم.

گرایش به پیروی از قانون: قانون‌گرایی عبارت است از رعایت هنجارهای رسمی در برآورده کردن انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق شناسی، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی (صمدی، ۱۳۸۲). برای سنجش این متغیر در بعد نگرشی از سه گویه استفاده شده است. برای مثال همه مردم باید از قانون پیروی کرده و به آن احترام بگذارند.

رفتارهای مدنی: به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که هر یک از شهروندان می‌توانند در مناسبات اجتماعی خود و در ارتباط با محیط بیرونی و در فضاهای عمومی شهر از خود بروز دهند. برای سنجش این متغیر از پاسخگویان پرسیده شد که

در یک سال گذشته تا چه اندازه پیش آمده که شما هر یک از رفتارهای زیر را انجام داده باشید؟ مثل رعایت حقوق فرد در پیاده رو، توجه به حقوق دیگران و

اعتبار و پایایی مقیاس‌ها

در این تحقیق برای سنجش اعتبار مقیاس‌ها از اعتبار محتوا بهره گرفته شد. اعتبار محتوا اساسی‌ترین روش آزمون اعتبار است؛ بررسی دقیق اندازه‌گیری مفهوم در معنای واضح و روشن آن و این که آیا ابزار اندازه‌گیری واقعاً مفهوم مورد نظر را اندازه می‌گیرد (بیکر، ۱۹۸۸ : ۱۱۹). به این ترتیب که گویه‌های مطرح شده مورد تأیید اساتید مجرب در این زمینه قرار گرفتند. برای شاخص فرهنگ شهروندی در کنار اعتبار محتوا از اعتبار عاملی نیز استفاده شد. بار شدن گویه‌ها بر روی مؤلفه‌های متمایز و بارهای عاملی بالای هر یک از گویه‌ها، موید اعتبار عاملی مقیاس طراحی شده است. برای سنجش پایایی مقیاس‌ها از آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس می‌شدند از مقیاس حذف گردیدند. ضریب آلفای متغیرها پس از کنار گذاشتن گویه‌های نامناسب به این صورت می‌باشند: مدارای اجتماعی (۰,۷۴)، قانون‌گرایی (۰,۶۳)، مشارکت جویی (۰,۵۳)، انجام رفتارهای مدنی (۰,۸۳)، اعتماد بین فردی (۰,۴۵)، عام‌گرایی (۰,۶۰)، مسئولیت‌پذیری (۰,۶۵) نوع دوستی (۰,۸۳)، احساس‌انومی (۰,۶۴)، احساس امنیت (۰,۸۴) و باورهای مذهبی (۰,۶۸).

یافته‌های تحقیق

به لحاظ جنسیت حدود ۴۴٪ پاسخگویان را مردان و حدود ۵۶٪ بقیه را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخگویان در حدود ۳۲ سال می‌باشد و بیشتر پاسخگویان (۵۲,۲٪) مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال می‌باشند. به لحاظ تعلق قومی نیز بیش از

۹۰٪ پاسخگویان را کردها تشکیل می‌دادند. نزدیک به ۸۰٪ پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و کارشناسی بودند. به لحاظ وضعیت فعالیت، در حدود ۴۰٪ از پاسخگویان شاغل بودند این در حالی است که ۲۰٪ بیکار و حدود ۱۱٪ خانه دار و دانشجو بوده‌اند. متوسط درآمد پاسخگویان حدود ۶۵۰ هزار تومان و متوسط هزینه‌های آنها حدود ۷۵۰ هزار تومان می‌باشد. به لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی نیز بیشتر پاسخگویان جزء طبقه متوسط بودند. در خصوص متغیرهای مستقل می‌توان گفت که در مجموع پاسخگویان احساس انومی (میانگین ۳,۵۷) و احساس ناامنی متوسط به بالایی دارند. نتایج به تفکیک احساس ناامنی مالی و جانی نشان می‌دهد که پاسخگویان احساس ناامنی مالی بیشتری (میانگین ۳) نسبت به احساس ناامنی جانی (میانگین ۲,۴) دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که باورهای مذهبی در میان پاسخگویان بسیار نیرومند است (میانگین ۴,۳) (جدول ۲)

در این پژوهش ۸ مؤلفه جداگانه برای فرهنگ شهروندی با توجه به متون و دیدگاه‌های موجود مطرح شدند. نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان حاضر در این پژوهش از مدارای اجتماعی متوسط به پایین برخوردارند (میانگین ۳,۱۴ از ۵) با این حال میزان مدارای آنها در خصوص سایر اقوام و مذاهب بیشتر از مدارای آنها با افرادی بود که دیدگاه‌ها و افکار مخالفی با آنها یا سایر افراد جامعه داشتند. در خصوص مشارکت جویی نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان هر چند ممکن است به لحاظ نگرشی موافق پیامدهای مثبت مشارکت در سطح محله و شهر باشند ولی در عمل و به لحاظ رفتاری تمایل زیادی برای مشارکت در امور شهری مانند پیگیری و مراجعه به ادارات برای آسفالت محل یا تأمین روشنایی خیابان یا شرکت در انتخابات شورای شهر را ندارند (میانگین ۲,۹). در خصوص رفتارهای مدنی بسیاری از پاسخگویان اظهار داشته بودند که آنها رفتارهای مدنی بالایی در یک سال گذشته داشته‌اند (میانگین ۴,۲) جالب اینجاست که بیشتر آنها بر این باور بودند که

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای و مستقل

متغیرها	درصد، میانگین، انحراف استاندارد
جنسیت	
مرد	۴۳٫۸٪
زن	۵۶٫۲٪
سن	میانگین = ۳۱٫۷ انحراف استاندارد = ۱۰٫۱۳
۱۵ تا ۲۹ سال	۵۲٫۲٪
۳۰ تا ۴۹ سال	۴۲٪
۵۰ سال به بالا	۵٫۸٪
تعلق قومی	
کرد	۹۲٫۳٪
سایر	۷٫۷٪
تحصیلات	
زیردیپلم	۱۴٫۶٪
دیپلم	۳۵٫۹٪
کارشناسی	۳۳٫۲٪
ارشد به بالا	۱۶٫۲٪
وضعیت اشتغال	
شاغل	۴۰٫۲٪
بیکار	۲۰٫۲٪
خانه‌دار	۱۱٫۲٪
دانشجو	۱۱٫۲٪
سایر	۸٫۲٪
مفقوده	۹٫۱٪
درآمد (تومان)	میانگین = ۶۵۵۱۵۶ انحراف استاندارد = ۶۱۵۸۴۳
هزینه (تومان)	میانگین = ۷۶۷۳۶۳ انحراف استاندارد = ۷۱۴۵۵۵
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	میانگین = ۴۶٫۹ انحراف استاندارد = ۱۶٫۶
پایین	۱٫۶٪
متوسط به پایین	۱۴٪
متوسط	۴۸٫۳٪
متوسط یا بالا	۲۱٫۲٪
بالا	۱٫۱٪
احساس انومی	میانگین = ۳٫۵۷ انحراف استاندارد = ۰٫۸۸
کم	۱۰٫۳٪
تاحدودی	۳۹٫۴٪
زیاد	۵۰٫۳٪
احساس امنیت	میانگین = ۳٫۲ انحراف استاندارد = ۱٫۱۵
کم	۲۴٫۵٪
تاحدودی	۳۶٫۳٪
زیاد	۳۹٫۲٪
باورهای مذهبی	میانگین = ۴٫۳ انحراف استاندارد = ۰٫۷۴
کم	۳٫۶٪
تاحدودی	۱۶٫۶٪
زیاد	۷۹٫۸٪

همشهریان آنها تا حد زیادی مقید به رعایت و انجام رفتارهای مدنی نمی‌باشند (جدول گزارش نشده است). در مورد میزان اعتماد بین شخصی نتایج نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان اعتماد زیادی در روابط بین شخصی خود ندارند (میانگین ۲,۷) و معتقدند که مردم خیلی بی‌شیله پيله و مقید به قرار و مدارهای خود نمی‌باشند. در همین راستا نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که پاسخگویان از خاص‌گرایی متوسط به بالایی (عام‌گرایی پایین) برخوردارند و تا حدودی منافع و مصالح دوستان و خویشان خویش را، بر منافع جمعی ارجحیت می‌دهند (میانگین ۳,۲). نتایج همچنین مؤید میزان بالای نگرش پاسخگویان به مسئولیت‌پذیری (میانگین ۳,۷) در قبال جامعه، خانواده و کارهای خود می‌باشد. این در حالی است که میزان فردگرایی در آنها بیشتر از جمع‌گرایی است و بیشتر آنها بر این باورند که آنها باید به فکر خودشان باشند و بر این باورند که بیشتر مردم این گونه هستند. یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان گرایش زیادی به پیروی از قانون دارند (میانگین ۳,۹) و بر این باورند که همه باید از قانون اطاعت کرده و باید قانون‌شکنان مجازات شوند. با ترکیب این ابعاد هشت گانه می‌توان به این نتیجه رسید که ایشان در مجموع در خصوص فرهنگ شهروندی نمره ۳,۴ از ۵ گرفته‌اند. این عدد نشان می‌دهد پابندی متوسط به بالایی به فرهنگ شهروندی در میان پاسخگویان وجود دارد.

با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی تلاش گردید تا استقلال مؤلفه‌های تشکیل دهنده فرهنگ شهروندی مورد آزمون تجربی قرار گیرد. نتایج بدست آمده با استفاده از روش مؤلفه‌های اساسی (ترکیب‌های خطی ناهمبسته متغیرهای مشاهده شده) و با شیوه چرخش کوارتیماکس^۱ نشان می‌دهد که هشت مؤلفه جداگانه مورد نظر به

جدول ۳- آمار توصیفی ابعاد گوناگون متغیر وابسته و گویه‌های مربوطه

آماره‌های توصیفی	مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی (متغیر وابسته)		میانگین شاخص: ... انحراف استاندارد: ... مد: ...
	کم مخالف	تأیدی بی‌نظر	
مدارای اجتماعی			
میانگین شاخص: ۳٫۱۴ انحراف استاندارد: ۰٫۹۷ مد: ۳	۳۱٫۲	۲۲	۴۶٫۷
	۵۴٫۳	۱۰٫۹	۳۴٫۸
	۲۹٫۷	۱۴٫۶	۵۵٫۷
مشارکت جویی			
میانگین شاخص: ۲٫۸۸ انحراف استاندارد: ۰٫۹۷ مد: ۳	۵۳٫۲	۲۰٫۹	۲۵٫۹
	۳۷	۲۷٫۲	۳۵٫۸
	۳۲٫۸	۲۶	۴۱٫۲
رفتارهای مدنی			
میانگین شاخص: ۴٫۰۲ انحراف استاندارد: ۰٫۷۲ مد: ۵	۱۲٫۳	۱۴٫۹	۷۲٫۸
	۷٫۷	۱۲٫۲	۸۰٫۱
	۹٫۹	۱۳٫۵	۷۶٫۶
	۸٫۴	۱۳٫۶	۷۸
	۹٫۵	۸٫۸	۸۱٫۷
	۱۳٫۱	۱۷٫۶	۶۹٫۳
اعتماد بین شخصی			
میانگین شاخص: ۲٫۷ انحراف استاندارد: ۰٫۸۰ مد: ۲٫۸	۳۷٫۹	۲۰٫۴	۴۱٫۷
	۵۲٫۳	۲۳٫۳	۲۴٫۴
	۵۱٫۲	۲۱٫۴	۲۷٫۴
عام‌گرایی			
میانگین شاخص: ۲٫۷ انحراف استاندارد: ۱ مد: ۲	۲۶٫۴	۲۹٫۲	۴۴٫۴
	۲۵٫۱	۳۱	۴۳٫۹
	۱۹٫۳	۲۱٫۴	۵۹٫۳
نگرش به مسئولیت‌پذیری			
میانگین شاخص: ۱۱٫۱ انحراف استاندارد: ۸۵ مد: ۵	۱۶٫۳	۱۵٫۵	۶۸٫۲
	۱۳٫۸	۱۹٫۹	۶۶٫۳
	۱۳٫۶	۱۲٫۲	۷۴٫۲
	۱۱٫۱	۴	۸۴٫۹
میانگین شاخص: ۳٫۹ انحراف استاندارد: ۰٫۸۲ مد: ۴	۶٫۳	۱۱٫۴	۸۲٫۵
	۱۳	۱۲٫۵	۷۴٫۵
	۱۳٫۵	۱۶٫۴	۷۰٫۱
	۱۰	۶٫۹	۸۳٫۱
	۱۰٫۱	۱۸٫۶	۷۱٫۳
گرایش به پیروی از قانون			
میانگین شاخص: ۳٫۴	۱۰٫۱	۱۸٫۶	۷۱٫۳
	۱۸٫۲	۱۴٫۹	۶۶٫۹
	۱۱٫۷	۲۵٫۱	۷۴٫۹

خوبی در مؤلفه‌های مورد نظر بار شده‌اند. نتایج آزمون کایزر مایز^۱ (۰/۷۷٪) نشان می‌دهد که داده‌های به کار رفته دارای دست‌کم شرایط لازم می‌باشند. همچنین آزمون کرویت بارتلت^۲ نیز معنی‌دار می‌باشد. در مجموع این هشت عامل توانسته‌اند ۶۰ درصد از کل واریانس را تبیین کنند. البته لازم به ذکر است که گویه‌هایی که بار عاملی بالایی نداشته یا بر روی مؤلفه‌های گوناگون بار شده بودند و تفسیرهای مربوطه را دشوار می‌کردند از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند.

رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و ابعاد فرهنگ شهروندی

یافته‌های پژوهش در خصوص فرهنگ شهروندی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد که بجز وضعیت اشتغال و تعلق قومی تفاوتی بین سایر رده بندی‌ها و متغیرهای زمینه‌ای در خصوص فرهنگ شهروندی مشاهده نمی‌شود. همچنین بین متغیرهای درآمد و هزینه خانوار نیز با شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی همبستگی معناداری مشاهده نگردید. همچنان که از یافته‌های جدول ۶ بر می‌آید ۹۲٪ از نمونه‌ها در پژوهش حاضر را کردها تشکیل می‌دهند و تعداد سایر اقوام تنها ۸٪ است و این تفاوت حداکثری می‌تواند یکی از دلایل معنادار شدن این متغیر باشد. به لحاظ وضعیت اشتغال نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که تنها گروه "سایر" که درصد ناچیزی از نمونه را به خود اختصاص داده‌اند تفاوت معناداری با سایر گروه‌های دیگر دارند و تفاوت معناداری بین گروه‌های شاغل، بیکار، خانه‌دار و دانشجو به لحاظ فرهنگ شهروندی مشاهده نشد.

1. Kaiser-Meyer-Olkin
2. Bartlett's Test of Sphericity

رابطه بین متغیرهای مستقل و ابعاد فرهنگ شهروندی

نتایج ضریب همبستگی پیرسون مرتبه صفر نشان می‌دهد که از بین هر یک از مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی^۱، مدارای اجتماعی ($r=0/19$) و گرایش به پیروی از قانون ($r=-0/27$) با آنومی همبستگی معناداری دارند. از سوی دیگر باورهای مذهبی، همبستگی مثبت و معناداری با گرایش به پیروی از قانون ($r=0/30$)، انجام رفتارهای مدنی ($r=0/17$)، مسئولیت‌پذیری ($r=0/25$) و نوع دوستی ($r=0/27$) و سرانجام شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی ($r=0/31$) دارد. احساس امنیت نیز صرفاً با مشارکت جویی همبستگی مثبت معناداری ($r=0/14$) نشان می‌دهد. پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز صرفاً با عام‌گرایی همبستگی منفی و معناداری دارد ($r=-0/11$). لازم به ذکر است که این همبستگی‌ها با کنترل متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنسیت و تحصیلات (همبستگی‌های جزئی)^۲، معناداری خود را از دست می‌دهند.

۱- به جای ترکیب گویه‌های هر یک از این مؤلفه‌ها، از بار عاملی (Factor load) آنها به عنوان معرف آن مؤلفه استفاده شده است.

جدول ۴- شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	تعداد	میانگین	سطح معنی داری
جنسیت			
مرد	۱۵۳	۳,۶۰	۰,۴۳۴
زن	۱۹۶	۳,۵۷	
سن			
۱۵ تا ۲۹ سال	۱۸۰	۳,۵۴	۰,۱۶۶
۳۰ تا ۴۹ سال	۱۴۵	۳,۶۰	
۵۰ سال به بالا	۵۱	۳,۶۱	
تعلق قومی			
کرد	۳۲۵	۳,۶۰	۰,۰۴۴
سایر	۲۷	۳,۳۸	
تحصیلات			
زیردیپلم	۵۵	۳,۴۸	۰,۰۰۰
دیپلم	۱۳۵	۳,۵۷	
کارشناسی	۱۲۵	۳,۶۷	
ارشد به بالا	۶۱	۳,۴۷	
وضعیت اشتغال			
شاغل	۱۵۱	۳,۶۱	۰,۱۱
بیکار	۷۶	۳,۶۲	
خانه دار	۴۲	۳,۶۳	
دانشجو	۴۳	۳,۵۷	
سایر	۸	۳,۱۸	
درآمد (لگاریتم)	۲۸۶	۰,۰۱۷	
هزینه (لگاریتم)	۲۷۸	-۰,۰۱۷	
پایگاه اقتصادی-اجتماعی			
پایین	۲۲	۳,۴۶	۰,۲۵۶
متوسط به پایین	۸۹	۳,۵۸	
متوسط	۱۶۹	۳,۶۰	
متوسط با بالا	۹۲	۳,۵۳	
بالا	۵	۳,۶۷	

جدول ۵- ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی

ابعاد فرهنگ شهروندی	آنومی	باورهای مذهبی	احساس امنیت	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
مدارای اجتماعی	- ۰,۱۸۷**	- ۰,۱۴۹	۰,۷۳	۰,۰۵۹
اطاعت از قانون	- ۰,۲۷۱**	۰,۲۷۹**	۰,۰۲۹	- ۰,۰۱۶
مشارکت جویی	- ۰,۰۷۷	- ۰,۰۱۷	۰,۱۳۸**	- ۰,۰۷۰
رفتارهای مدنی	- ۰,۰۲۵	۰,۱۷۴	- ۰,۰۹۵	۰,۰۴۵
اعتماد بین فردی	۰,۱۲۲	۰,۰۲۸	- ۰,۰۳۵	۰,۰۹۰
عام‌گرایی	- ۰,۰۷۶	۰,۰۱۹	۰,۰۸۲	۰,۱۰۸*
مسئولیت‌پذیری	۰,۰۷۱	۰,۲۵۰**	- ۰,۰۶۸	۰,۰۳۱
نوع دوستی	۰,۰۲۶	۰,۲۶۶**	۰,۰۱۳	۰,۰۰۸
شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی	۰,۰۳۲	۰,۳۰۶**	- ۰,۲۸	۰,۰۳۲

* همبستگی در سطح ۰,۰۵ معنی دار است (دو دامنه) ** همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی دار است (دو دامنه)

برای تحلیل رگرسیونی از رگرسیون OLS استفاده شد. جدول ۶ نشان می‌دهد که از تمام متغیرها تنها دو متغیر باورهای مذهبی و احساس آنومی وارد مدل شده‌اند و متغیرهای احساس ناامنی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی از مدل خارج شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که این دو متغیر در مجموع توانسته‌اند ۱۰٪ از واریانس فرهنگ شهروندی را تبیین کنند ($R^2=0/10$). جدول ۶ همچنین بیانگر ضرایب ناخالص (b) و خالص (β) متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است. با توجه به نتایج جدول زیر می‌توان به این نتیجه رسید که متغیر باورهای مذهبی ($\beta=0/33$) و آنومی ($\beta=-0/11$) به ترتیب بیشترین مقدار واریانس متغیر فرهنگ شهروندی را تبیین کرده‌اند.

جدول ۶- ضرایب استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی

معنی داری	t	ضرایب استاندارد		مدل
		β	b	
۰,۰۰۰	۲۹,۰۷		۰,۱۰	عدد ثابت
۰,۰۰۰	۶,۲۲	۰,۳۱	۰,۰۲	باورهای مذهبی
۰,۰۰۰	۲۷,۲۳		۰,۱۱	عدد ثابت
۰,۰۰۰	۶,۵۷	۰,۳۳	۰,۰۲	باورهای مذهبی
۰,۰۳	-۲,۱۵	-۰,۱۱	۰,۰۲	آنومی

بحث و نتیجه‌گیری

شهروندی موقعیتی است که رابطه‌ای میان فرد و جامعه پدید می‌آورد. شهروندی چارچوبی برای تعامل میان افراد درون جامعه مدنی فراهم می‌آورد. امتیاز شهروندی بر دیگر هویت‌های اجتماعی این است که گویای برابری فراگیر است و این ویژگی را در دیگر هویت‌ها چون طبقه، قومیت و ... نمی‌توان یافت. در این مطالعه تلاش گردید که به عنوان یک گام مقدماتی و ضمن اذعان بر پیچیدگی مفهوم فرهنگ و فرهنگ شهروندی، برخی از مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی از متون مربوطه استخراج و در نمونه کوچکی از شهروندان ایوان مورد آزمون تجربی قرار گیرد. شواهد نشان داد میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در نمونه مورد بررسی متوسط به بالاست (۶۸ از ۱۰۰) و مخصوصاً در مؤلفه‌های نگرشی این میزان بیشتر از مؤلفه‌های رفتاری به چشم می‌خورد. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های شامیان فر و گنجی (۱۳۸۸) و اذانی و همکاران (۱۳۹۰) است در این دو پژوهش نزدیک به ۶۰ تا ۶۵ درصد پاسخگویان میزان شهروندی بالایی را گزارش داده بودند. البته این امر لزوماً به معنای آن نیست که آنها در عمل هم به نظرات و دیدگاه‌های خود پایبند هستند. از سوی دیگر انجام

تحلیل‌های بیشتر نشان داد که می‌توان هشت مؤلفه انتخابی برای فرهنگ شهروندی را به عنوان یک گام مقدماتی و پوشش بخشی از فضای مفهومی آن پذیرفت. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که در مجموع بین متغیرهای زمینه‌ای و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه معناداری مشاهده نشد. با این حال بین باورهای مذهبی و احساس آنومی با پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه معناداری مشاهده شد با این حال باورهای مذهبی و احساس آنومی تنها بخش اندکی از فرهنگ شهروندی را تبیین نموده بودند. دلایل گوناگونی را می‌توان برای این امر اقامه نمود: یکی از دلایل می‌تواند عدم انتخاب متغیرهای نزدیک با توان تبیینی بالا باشد که این ضعف خود ناشی از ضعف دیگر یعنی فقدان چارچوب نظری و مفهومی در این زمینه می‌باشد. به عبارت دیگر در پژوهش حاضر انتخاب متغیرهای مستقل بر اساس دستگاه مفهومی و نظری صورت نگرفته بود، دستگاهی که قضایای مشخصی داشته باشد و بشود فرضیه‌های دقیقی از آن استخراج نمود. بخش دیگر این امر می‌تواند به روش‌شناسی کار و عملیاتی سازی متغیرها مربوط شود. از آنجایی که فضای مفهومی سازه فرهنگ شهروندی بسیار گسترده و پیچیده می‌باشد به طبع عملیاتی کردن این سازه نظری با پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خاصی مواجه است. سرانجام فارغ از این دو مساله، تبیین اندک می‌تواند به این امر مربوط باشد که متغیرهای مهم دیگری نیز وجود دارند که با فرهنگ شهروندی مرتبط هستند و می‌بایست به آنها عنایت شود. این امر می‌تواند بویژه در پژوهش‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

احساس آنومی یکی از متغیرهایی بود که با فرهنگ شهروندی رابطه منفی داشت. بحران‌های اقتصادی و شکاف هر چه بیشتر بین اهداف و ابزارهای فرهنگی نیل به آنها زمینه را برای احساس آنومی هر چه بیشتر آماده می‌کند. در شرایط آنومیک وفاداری به ارزش‌ها، باورها، هنجارها و کردارهای فرهنگی خدشه دار می‌شوند. آنومی از منظر دورکیمی به معنای بی اخلاقی در سطح جامعه است و وقتی که اخلاقیات فرسوده شوند، نمی‌توان از مقوله‌ای به نام فضایل شهروندی و فرهنگ شهروندی سخن به

میان آورد. بنابراین یکی از پیش شرط‌های ساختاری و کلان برای تبعیت از ارزش‌ها و هنجارهای شهروندی، ثبات در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. از سوی دیگر در سطح میانی می‌توان به بشاشیت و سرزندگی جوامع مدنی فعال و پویا توجه نمود. اجتماعات مدنی به شیوه‌های گوناگونی می‌توانند اخلاقیات مدنی را در جامعه گسترش دهند و اصولاً این اجتماعات به تعبیر دورکیمی کارکرد اخلاقی دارند چون به انحاء گوناگون فرد را به جامعه پیوند می‌زنند و مانع از اتمیزه شدن و خودمداری آنها می‌گردند. در سطح خرد نیز می‌توان برای پرورش شهروندانی آگاه و فعال به آموزش فرهنگ شهروندی همت گماشت و نحوه مشارکت جویی، افزایش مدارای اجتماعی و عام‌گرایی را در سطوح گوناگون به آنها آموزش داد. فرهنگ شهروندی حاصل تجربه مستقیم و روزمره و صرفاً خودانگیخته افراد نیست بلکه محصول مستقیم آموزش و فرهنگ‌سازی است. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و مستلزم کسب مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی است. فلسفه بنیادین این آموزش‌ها این باور است که برای تغییر رفتارها باید از آگاهی‌ها و نگرش‌های افراد شروع نمود. در این خصوص می‌توان دوره‌های آموزش شهروندی را با همکاری شهرداری و سایر دستگاه‌های ذیربط در ایوان اجرا نمود و از طریق توزیع کتابچه‌ها و بروشورها و بیلبوردهای شهری می‌توان به اشاعه فرهنگ شهروندی کمک نمود. در این راستا همچنین رسانه محلی نیز می‌تواند موثر واقع شود و با تولید برنامه‌های مرتبط با آموزش شهروندی به آگاه‌سازی هر چه بیشتر مردم در این زمینه پردازد. با توجه به تاثیر باورهای دینی در پایبندی به فرهنگ مدنی، باید توجه ویژه‌ای به دینداری و باورهای دینی مردم گردد. دین یکی از مهمترین منابع ایجاد فرهنگ شهروندی است و آموزه‌های شهروندی باید متناسب با نیازهای دینی، فرهنگی و اجتماعی خاص هر جامعه عرضه گردد. در این خصوص با توجه به بالا بودن گرایش‌های مذهبی و دینی

تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ ... ۱۷۷

در ایوان، می‌توان از ظرفیت مساجد به عنوان ابزاری برای اشاعه ارزش‌ها و باورهای شهروندی استفاده کرد و مردم را به رعایت و پایبندی به این اصول تشویق نمود.

منابع

- اذانی، مهری؛، حاتمی، مجتبی؛ حاتمی، حسین. (۱۳۹۰) تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد. *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی*، سال اول شماره اول
- ارمه، گی. (۱۳۷۶)، *فرهنگ و دموکراسی*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس.
- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۰)، انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فرهنگ اصفهان*، شماره ۲۲
- امیرکافی، مهدی. (۱۳۷۵)، اعتماد اجتماعی، *پایان نامه کارشناسی ارشد* پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- آزاده، منصوره؛ توکلی، عاطفه. (۱۳۸۶)، فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. شماره ۹.
- بیکر، ترز. (۱۳۹۰)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایبی. ویرایش اول، چاپ پنجم، نشر نی، تهران
- توسلی، غلامعباس؛ نجاتی حسینی، سیدمحمود. (۱۳۸۳)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۵ شماره ۲.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه: حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ربانی، رسول؛ حقیقتیان، منصور؛ اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۵)، بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی. (شهر اصفهان در

سال ۱۳۸۴). *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال اول پیش شماره اول.

- رفیعی، حسن؛ مدنی، سعید؛ وامقی، مروّنه. (۱۳۸۷)، مشکلات اجتماعی در اولویت ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۹ شماره ۱ و ۲.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات کیهان.

- سراج زاده، سیدحسین؛ شریعتی، سارا؛ صابر، سیروس. (۱۳۸۳)، بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*.

- سراج زاده، محمدحسین؛ پویا فر، محمدرضا. (۱۳۸۷)، دین و نظم اجتماعی، بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶.

- شربتیان محمدحسن. (۱۳۸۷)، تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن. *فصلنامه فرهنگی- پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی*، شماره ۸ و ۹، سال دوم و سوم، دوره تابستان و پاییز.

- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱)، تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱۵.

- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، فقر، محرومیت و شهروندی در ایران. *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸.

- شیانی، ملیحه؛ داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۵.

تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ ... ۱۷۹

- شیانی، ملیحه، فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۸)، میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی. *مجله راهبرد*، ۱۸.

- صمدی، لیلا. (۱۳۸۲)، قانون‌گریزی و راهکارهای آن، *نشریه سپیده*، شماره ۳۵.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶)، شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی قابل دسترسی از سایت: www.farhangshenasi.com/article/s/5/9/html.

- فاطمی‌نیا، سیاوش؛ حیدری، سیامک. (۱۳۸۹)، عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸.
- فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۷)، فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، *رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۶.

- فالکس، کیث. (۱۳۸۱)، *شهروندی*. ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران، کیمیا.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸)، تقویت اخلاق شهروندی راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۲، شماره ۲.

- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۱۷.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، *نامه پژوهش*، شماره ۱.

- محمدی، محمدعلی؛ شیانی، ملیحه؛ روشن‌فکر، پیام. (۱۳۸۹)، عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸.

- میرفردی، اصغر. (۱۳۸۸)، عام‌گرایی و زمینه‌های تاثیر گذار بر آن در مناطق در حال توسعه: مطالعه مورد شهر یاسوج. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*. سال نهم، شماره ۱.

- نبوی، سیدعبدالحسین؛ ارشاد، فرهنگ؛ فاضل، سیدحسام‌الدین. (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۱)، نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی. *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۸۳.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۵)، بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی، *جامعه‌شناسی*، شماره ۵.
- نوروزی، فیض‌اله؛ گل پرور، منا. (۱۳۹۰)، بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۰، شماره ۵۹.
- هاشمیان فر، سیدعلی؛ گنجی، محمد. (۱۳۸۸)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۳، شماره ۱.
- هزارجریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰)، آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ۳، شماره ۹.
- یوسفی، علی؛ عظیمی هاشمی، مزگان. (۱۳۸۷)، احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۹، شماره ۳ و ۴.
- Abowitz KK and Harnish J. (2006). *Contemporary discourses of citizenship, Review of Educational Research*, 76, 4: 653-690.
- Dahlgren P. (2009). *Media and political engagement: citizenship, communication and democracy*. New York: Cambridge University Press.
- Alvesson M. (2002). *Understanding organizational culture. SAGE Publications*. London. Thousand Oaks. New Delhi

- Beiner R. (ed.). (1995). *Theorizing citizenship*. Albany: State University of New York Press.
- Callon M. (1998). *An essay on framing and overflowing: Economic externalities revisited by sociology' in M. Callon*. (ed.). The Laws of the markets Oxford UK: Blackwell: 244-69.
- Culture of Citizenship: A culture of citizen action and commitment. (2004). *Working document*. Available at:
<http://ebookbrowse.com/cu/culture-of-citizenship>
- Delanty G. (1997). *Models of citizenship: Defining european identity and citizenship*, Citizenship Studies, 1:3, 285-303
- Dominique L. (2011). *Citizenship*. *The Stanford encyclopedia of philosophy*. Edward N. Zalta. (ed.), URL =
<http://plato.stanford.edu/archives/fall2011/entries/citizenship/>
- Dustin WK. (1999). *Toward an ethic of citizenship creating a culture of democracy for the 21st century*. Available at:
<http://www.ethicofcitizenship.com/CITIZEN.htm>
- Dziubka K. (1997). *Emergent democratic citizenship: a study of changing pattern in polish society*. NATO Research Fellowships Program. Available at:
[http // www.nato.int/acad/fellow/95-97/dziubka.pdf](http://www.nato.int/acad/fellow/95-97/dziubka.pdf)
- Geertz C. (1973). *The Interpretation of cultures*, New York: Basic Books.
- Hironimus-Wendt R & Ebert Wallace L. (2009). *The Sociological imagination and social responsibility*, Teaching Sociology. 37: 76
- Hudson W. (2003). Religious citizenship. *Australian Journal of Politics and History*: 49, 3: 425-429.

- Isin EF & Turner BS. (2002). *Citizenship studies: an introduction, in Engin F Isin & Bryan S. Turner.* (eds.). Handbook of citizenship studies. London: Sage.
- Marshall TH. (1994). *Citizenship and social class in Turner BS & Hamilton P.* (Eds.). Citizenship: Critical concept. London: Routledge.
- McCrea, R. et al.. (2005). Fear of crime in Brisbane: Individual, social and neighborhood factors in perspective. *Journal of Sociology*, 41, 1.
- Oldfield A. (1990). *Citizenship and community: Civic republicanism and the modern world.* London: Routledge.
- Pattie Ch, Seyd P & Whiteley P. (2004). *Citizenship in Britain values, participation and democracy.* Cambridge University Press
- Silverman EB & Della-Giustina J-A. (2001). *Urban policing and the fear of crime*, Urban Studies, 38, 5-6.
- Turner BS. (1990). *Outline of a theory of citizenship.* Sociology, 24, 2, 189-217.
- Turner BS. (2001). The erosion of citizenship. *British Journal of Sociology*, 52, 2, 189-209
- Volpp L. (2007). *The culture of citizenship.* Theoretical Inquiries in Law 8, 2.